

پیام دلنشینی نیاز داشتند و آن را مؤذنه‌ رهایی و نجات تلقی می‌کردند.<sup>(۸)</sup>

جمشید گرشاسب چوکسی (زرتشتی)، در کتاب «ستیز و سازش» درباره‌ اوضاع عقیدتی و نابسامان ایران ساسانی می‌گوید: «دین زرتشتی برای مردم ایران به یک اندیشه‌ بی‌تأثیر تبدیل شده بود و از همین روی، بسیاری به اسلام گرویدند.»<sup>(۹)</sup>

۸. همان، ص ۵۹.

۹. ستیز و سازش، گرشاسب چوکسی، ترجمه: نادر میرسعیدی، ص ۱۰۴.



## ایران، در گذر از زرتشتی به اسلام

عشق به وطن از ایمان است و ایمان در فطرت انسان ریشه دارد؛ اما برخی تلاش دارند تا ایمان مذهبی ایرانیان را در مقابل هویت ملی‌شان قرار دهند. در این میان، گذر ایران از زرتشتی‌گری به اسلام، همواره مورد مناقشات بوده و هست. به راستی آیا اسلام به زور به ایرانیان تحمیل شد؟ آیا اسلام، منجی ایران عصر ساسانی بود یا مایه‌ ویرانی آن؟

حقیقت تاریخ، گویای این است که اسلام و ایران خدمات متقابل بسیاری به یکدیگر کرده‌اند و شهید مطهری رحمته‌الله در این باره کتابی مستند تحت عنوان «خدمات متقابل اسلام و ایران» به رشته‌ تحریر درآورده است. سخنان عبدالحسین زرین‌کوب درباره‌ سیر اسلام آوردن ایرانیان،

نکاتی قابل توجه دارد: «کارنامه‌ اسلام، یک فصل درخشان تاریخ انسانی است، نه فقط از جهت توفیقی که مسلمین در ایجاد یک فرهنگ تازه جهانی یافته‌اند؛ بلکه نیز به سبب فتوحاتی که آنها را موفق کرد به ایجاد یک دنیای تازه، و رای شرق و غرب. فتح اسلامی، البته با جنگ حاصل شد؛ اما نشر اسلام در بین مردم کشورهای فتح شده، به زور جنگ نبود. خاصه در جاهایی که مردم از نظر اسلام، اهل کتاب بودند یا در ردیف آن (یهود، نصارا، مجوس و صابئین). در واقع، این اهل کتاب به هیچ وجه مجبور به قبول اسلام نمی‌شدند... چنانکه مجوس هم جزیه‌ای که به اسلامیان می‌پرداختند، به مراتب سبک‌تر و راحت‌تر از مالیات سرانه‌ای بود که پیش از آن به حکومت خویش (ساسانیان) می‌دادند... درست است که بعضی خلفا در معامله با اهل ذمه (پیروان ادیان آسمانی) خشونت نشان می‌دادند؛ اما این احوال به ندرت اتفاق می‌افتاد و بی‌دوام بود، چنانکه روی هم رفته، اهل کتاب در قلمرو اسلام در صلح و آرامش به سر می‌بردند.»<sup>(۱)</sup>

۱. کارنامه اسلام، عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۹۱ش، صص ۱۱-۱۲.

این آرامش از احکام اجتماعی اسلام ناشی می‌گردد؛ چه اینکه بنا بر فقه اسلامی، اهل کتاب اگر در قلمرو حکومت اسلامی، جزیه (مالیات) دهند و بر قوانین صلح پایبند باشند، جان و مال و ناموسشان در امان خواهد بود و هیچ کس حق ندارد متعرض آنان شود.<sup>(۲)</sup>

عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب «دو قرن سکوت» می‌گوید: «بسیاری از ایرانیان از همان آغاز کار، دین مسلمانی را با شور و شوق پذیرا شدند. دین تازه‌ای را که عربان آورده بودند. از آیین دیرین نیاکان خویش برتر می‌یافتند و ثنویت مبهم و تاریک زرتشتی را در برابر توحید محض و بی‌شائبه اسلام، شرک و کفر می‌شناختند.»<sup>(۳)</sup>

بر تولد اشیپولر (مستشرق آلمانی)، درباره سیر اسلام آوردن ایرانیان نکاتی قابل توجه بیان کرده است. وی در کتاب «تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی» می‌نویسد: «تقریباً تمام ایرانیان، بدون اعمال زور و فشار خارجی معتابهی از طرف

۲. التهذیب، شیخ طوسی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۱۱۳؛ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم، ۱۳۶۷ش، ج ۱۵ (کتاب الجهاد) ص ۱۴۹ به بعد.  
۳. دو قرن سکوت، عبدالحسین زرین کوب، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۹۲ش، ص ۲۶۹.

**فاتحان، در مدت قرون اندکی به اسلام گرویدند.**<sup>(۴)</sup> جمشید گرشاسب چوکسی (پژوهشگر زرتشتی) درباره مسلمان شدن اکثر ایرانیان از روی اختیار می‌گوید: «تغییر داوطلبانه دین که اهمیتی پایدار داشت، در خراسان نیز اهمیت یافت. در آنجا تغییر دسته‌جمعی دین در شهرها همانند اینگونه تغییر دین در مرکز ایران بود.»

وی همچنین می‌گوید: «اغلب معلوم می‌شد با حرارت‌ترین خرده گیران از دین زرتشتی، معتقدان قبلی آن دین بودند؛ یعنی کسانی که اسلام اختیار کرده بودند و سپس مشتاقانه در صدد انتشار آن برآمدند.» و «گرویدن به اسلام در شهرهای آذربایجان، خوزستان و سیستان نیز اغلب داوطلبانه و عاری از تحمیل بود. در آن نقاط، اسلام معمولاً در نتیجه فعالیت‌های مبلغانی انتشار یافت که خطاب به خانواده‌ها و طایفه‌ها تبلیغ دینی می‌کردند.»<sup>(۵)</sup>

اگر ایرانیان به زور شمشیر مسلمان شده بودند، می‌بایست بعدها که تسلط عرب بر ایران پایان

۴. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، برتولد اشیپولر، ترجمه: جواد فلاطوری و مریم میر احمدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳ش، ج ۱، صص ۲۳۹ - ۲۴۰.  
۵. ستیز و سازش، جمشید گرشاسب چوکسی، ترجمه: نادر میر سعیدی، انتشارات ققنوس، تهران، اول، ۱۳۸۱ش، صص ۹۹ - ۱۰۴ - ۱۰۱.

یافت، همگان به دین زرتشتی باز می‌گشتند، در حالی که چنین نشد. در حقیقت، این دیدگاه که «ایرانیان به زور مسلمان شدند» توهینی بس بزرگ به شعور مردم، و فرهنگ و تمدن ایرانیان است؛ زیرا این سخن بدین معناست که ایرانیان بسیار ترسو و متزلزل بودند که دین سابق خود را از ترس شمشیر رها کردند.

به راستی اگر در تاریخ بنگریم، در می‌یابیم که دانشمندان و فرهیختگان ایرانی، بیش از همگان در راه نشر قرآن و مکتب اهل بیت (ع) کوشیده‌اند. کدامین ملت را می‌یابیم که به اندازه ایرانیان در راه تبلیغ و ترویج اسلام، با سلاح قلم جهاد کرده باشند؟ اگر نیک بنگریم، متوجه می‌شویم که فرهیختگان ایرانی بزرگ‌ترین مروّجین و مبشرین اسلام بوده و هستند، پس اسلام، منجی ایران بود.

امروزه بر همگان روشن است که دستگاه دین و دولت زرتشتی آن زمان، در فساد و تباهی غرق بود و از سویی مسیحیت در ایران عصر ساسانی در حال گسترش بود. بسیاری از مردم و موبدان به آیین مسیحیت گرویده بودند و اگر اسلام وارد ایران نمی‌شد، یقیناً مسیحیت ایران را

فرامی‌گرفت.<sup>(۶)</sup> آن وقت باید شاهد فجایع قرون وسطای اروپا در ایران مسیحی نیز می‌بودیم. اسلام با روح تازه، منطق بی‌ظنیر و قدرت معنوی، دیگر ادیان را خاضع نمود. نبرد مسلمانان با زرتشتیان، تنها به وسیله شمشیر نبود؛ بلکه در روشنایی عقلانیت و منطق رخ داد که البته پیروزی منطقی نیز با اسلام بود.<sup>(۷)</sup>

«در همان هنگام که اهریمن نفاق و شقاق کشور ساسانیان را به ورطه مرگ و نیستی می‌کشانید، سروش خدایی، بیابان نوردان عرب را از جاده کفر و نفاق به راه هدایت و نجات می‌خواند... پیام تازه‌ای که محمد (ص) خود را حامل آن می‌دانست، همه جهان را به برابری و نیکی و برادری می‌خواند و از شرک و نفاق و جور و بیداد نهی می‌کرد. نه همان اعراب که زندگی‌شان یکسره در جور و تطاول و شرک و فساد می‌گذشت؛ بلکه ایران و روم نیز، که رسم و آیین دیرینشان دستخوش اختلاف و تعصب روحانیون گشته بود، در آن روزگاران به چنین

۶. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، انتشارات نگاه، تهران، ۱۳۸۲ش، ج ۱، صص ۴۹۷ - ۵۳.  
۷. دو قرن سکوت، عبدالحسین زرین کوب، صص ۲۹۳ - ۲۹۵.